



دوفصلنامه علمی «مطالعات قرآن و حدیث»، سال پانزدهم، شماره اول، پیاپی ۲۹
پاییز و زمستان ۱۴۰۰، صص ۳۰۷-۳۳۱
مقاله علمی - پژوهشی

مفهوم و مؤلفه‌های دین‌داری خودمحور در قرآن کریم

DOI: 10.30497/qhs.2021.239962.3181

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۹
مقاله برای اصلاح به مدت ۱۸ روز نزد نویسندگان بوده است.

سهراب مروتی*
بهروز سپیدنامه**
صدیقه کریمی***

چکیده

دین هنگام دگرذیسی از صورت الهی به صورت انسانی متلون و متنوع می‌شود و در قالب‌های جدیدی به نام سنخ‌های دین‌داری ظهور می‌کند. این مقاله بر آن است تا با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی به مطالعه‌ی یکی از جلوه‌های دین‌داری در قرآن کریم به نام خودمحوری، در قالب سه مؤلفه؛ عدم سیادت دین، توجیه و گزینش بپردازد. یافته‌های به دست آمده مؤید آن است که فرد دین‌دار با عملکردهایی از جمله ارجح دانستن تشخیص خود بر تشخیص مرجع‌های دینی، توجیه عملکردهای خودمحورانه و برخوردهای گزینشی و انتخابی، قسمتی از مسیر دین‌داری را بدون راهنمایی می‌کند. این عملکرد موجب آسیب‌رسانی به حیات فردی و اجتماعی دین می‌شود. زیرا این افراد از یک سو به خاطر عدم درکی جامع از دین، مسیر دین‌داری را همراه با خطا می‌پیمایند، و از سویی دیگر با ظهور این درک‌های ناقص در فضای عمومی اجتماع، موجودیت و موضوعیت کامل دین خدشه‌دار می‌گردد و زمینه برای تحزب و فرقه‌گرایی به وجود می‌آید. نتیجه این‌که دین‌داری خودمحور سیادت دین را در متن زندگی انسان به حاشیه می‌راند و در تقابل با مبنایی‌ترین مبحث دین‌داری در قرآن کریم یعنی «تسلیم» قرار دارد.

واژگان کلیدی

تدین، دین‌داری خودمحور، سیادت دین، آسیب‌شناسی دین‌داری.

sohrab-morovati@yahoo.com

b.sepidnameh@ilam.ac.ir

sedighehkarami@gmail.com (نویسنده مسئول) ایران، ایلام، دانشگاه ایلام، حدیث و حدیث‌شناسی دین‌داری.

* استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.

** استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.

این مقاله مستخرج از رساله دکتری دانشجوی است.

Quran and Hadith Studies

Bi-quarterly Journal of Quran and Hadith Studies, Research Article,

Vol. 15, No. 1, (Serial. 29), Autumn 2021 & Winter 2022

<https://qhs.journals.isu.ac.ir/>

<https://isu.ac.ir/>

Concepts and Components of Self-Centered Religiosity in the Holy Quran

DOI: 10.30497/quran.2020.14803.2897

Sohrab Morovati*

Received: 21/11/2020

Behrooz Sepidnameh**

Accepted: 09/06/2021

Sedigheh Karami***

Abstract

When religion changes from a divine form to a human form, it appears in new forms called religiosity types. This article intends to study one of the manifestations of religiosity in the Holy Quran called self-centeredness, using the method of qualitative content analysis, in the form of three components; Non-sovereignty of religion, justification and selection. Findings show that a religious person goes through a part of the path of religiosity without guidance by actions such as prioritizing his / her diagnosis over the recognition of religious authorities, justifying self-centered actions, and selective approaches. This practice harms the individual and social life of religion. Because on the one hand, due to the lack of a comprehensive understanding of religion, these people follow the path of religiosity with error, and on the other hand, with the emergence of these incomplete understandings in the public sphere, the complete existence and subjectivity of religion is impaired and sectarianism is created. . The conclusion is that self-centered religiosity marginalizes the superiority of religion in the context of human life and is in opposition to the most fundamental issue of religiosity in the Holy Qur'an, namely "submission".

Keywords: *Religiosity, self-centered religiosity, the superiority of religion, the pathology of religiosity.*

* Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Ilam University, Ilam, Iran.

sohrab-morovati@yahoo.com

** Assistant Professor, Department of Social Sciences, Ilam University, Ilam, Iran.

b.sepidnameh@ilam.ac.ir

*** PhD student in Quranic and Hadith Sciences, Ilam University, Ilam, Iran. (Corresponding Author)

sedighehkarami@gmail.com

طرح مسئله

دین؛ کهن‌ترین، نافذترین و اثرگذارترین نهاد اجتماعی بشر است (آذربایجانی، ۱۳۹۳، ص ۱۱). بشر همواره در طول تاریخ دینی بوده است و هیچ فرد و اجتماعی را نمی‌توان یافت که حیاتی فاقد تجربه دینی و تاریخی بدون «اله» را سپری کرده باشد (کنیگ، ۱۳۵۵، ص ۱۲۶). حضور فراگیر دین در طول تاریخ و در پهنه جغرافیا باعث گردیده که بسیاری از دین‌شناسان بر فطری بودن آن تأکید کرده و اذعان نمایند که نهاد بشر با دین سرشته است (الیاده، ۱۳۷۲، ص ۱۲۲). دین و دین‌داری همواره در کنار یکدیگر و گاه به عنوان دو واژه مترادف به کار برده شده است. اما در سده‌های اخیر برخی از پژوهشگران سعی بر بیان تعاریف مجزا و تفکیک حوزه‌های این دو مفهوم نموده‌اند. در تفکیک دو مفهوم «دین» و «دین‌داری» می‌توان گفت دین گاهی به عنوان حقیقتی مستقل از انسان لحاظ می‌شود که از سوی مبدأ هستی برای هدایت او وضع و تأسیس شده است و به صورت پیامی الهی توسط پیامبران در اختیار آدمی قرار گرفته است و گاهی به منزله واقعیتهای فردی و اجتماعی در زندگی انسان یا همان دین‌داری، تدین و دین‌ورزی است و امروزه در مطالعات مربوط به دین پژوهی، مقصود کاربرد دوم واژه دین است (شیروانی، ۱۳۹۰، ص ۳۳).

در حقیقت در تعریف دین نباید دین و دین‌داری را در هم آمیخت، زیرا «تدین» وصف انسان است ولی «دین» حقیقتی پیام‌گونه است که خداوند آن را در اختیار انسان قرار می‌دهد (جوادی آملی، ۱۳۸۳، صص ۲۶-۲۷) دین‌داری یا تدین عبارت است از التزام فرد به دین مورد قبول خویش. این التزام در مجموعه‌ای از اعتقادات، احساسات، اعمال فردی و جمعی پیرامون خداوند (امر قدسی) و رابطه‌ای ایمانی با او، سامان می‌پذیرد. به طور خلاصه، دین‌داری یعنی میزان علاقه، احترام، سلوک و پایبندی (التزام) افراد به دین (طالبان، ۱۳۸۰، صص ۴۹-۵۰). برخی از پژوهشگران دین‌داری را به معنای درگیری دینی^۱ افراد می‌دانند.

«دین‌داری در یک حالت کلی، داشتن اهتمام دینی است؛ به نحوی که

نگرش، گرایش و کنش‌های فرد را متأثر سازد» (شجاعی زند، ۱۳۸۴).

در نفس پدیده دین‌داری به عنوان امری انسانی-اجتماعی، تلون و تنوع وجود دارد (شجاعی زند، ۱۳۸۸، ص ۵) تلون دین‌داری به این معناست که حتی نوع دین‌داری در یک فرد نیز امری ثابت و لایتغیر در تمام طول عمرش نیست؛ بلکه متأثر از احوال درونی و شرایط بیرونی است. تنوع دین‌داری به این معناست که نوع دین‌داری افراد متفاوت و متمایز از یکدیگر است.

¹ Religious involvements



در فردی دین‌داری مناسک گرا قوی‌تر است و در فردی دین‌داری فقهی (حسن‌پور و شجاعی‌زند، ۱۳۹۳، ص ۱۸). با توجه به متکثر بودن پدیده‌ی دین و خوانش‌های متعدد دیندارانه، این مطالعه بر آن است که منطق دوانگاری دین‌دار - بی‌دین را مورد تردید قرار داده و با به چالش کشیدن آن، بر این پیش‌فرض صحنه نهد که ما با «دینداری‌ها» مواجهیم و نه صرف «دین‌داری» (شجاعی‌زند، ۱۳۹۱، ص ۱).

عمده‌ترین تغییرات در درون یک دین و یک سنت دینی با اقبال به یک جنبه، تفسیر و جهت‌گیری خاص یا رویگردانی از جنبه‌های دیگر و با برداشت‌های خاص صورت می‌گیرد (حسن‌پور و شجاعی‌زند، ۱۳۹۳، ص ۱۸). یکی از روندهای مهم تغییر در دین‌داری، ترکیب‌گرایی و سلیقه‌ای شدن دین‌داری است؛ به نحوی که شخصی که خود را دین‌دار می‌داند از میان انواع دین‌داری به شکل سیالی گردش می‌کند و متناسب با نیازها و خواسته‌های خود از میان انواع ادیان و سبک‌های دین‌داری دست به انتخاب و گزینش‌گری می‌زند (کوهی و شریفی، ۱۳۹۶، ص ۳۰۷). دامنه‌ی این ترجیحات از اقتضایی شدن انتخاب و نیز سیالیّت مواجهه‌ی فرد با دستورات دینی توسعه یافته است. چنین مواجهه‌ای با دین، موجب پیدایش سبک خاصی از دین‌داری به نام «دین‌داری خودمحمور» شده است.

«دین‌داری در این سنخ بدل به امری شخصی، غیر الزام‌آور، خصوصی، سلیقه‌ای، گزینشی، مبتنی بر تعقل، خرد فردی و همراه با نپذیرفتن دگرسالارهای نهادهای دینی شده است و به سمت امری اقتضایی و لذت‌گرایانه سیر می‌کند» (حسن‌پور و معمار، ۱۳۹۴، ص ۹۹).

این نوع دین‌داری مبتنی بر «نظام توجیهات» است. یعنی ادله‌ای که افراد می‌آورند تا خروج خود را از دین‌داری معیار توجیه کنند. فرد دین‌دار از رفتارهای مورد نظر دین معیار عدول کرده و بر اساس نظام فکری خود رفتارهای جدیدی را جایگزین کرده است. در حقیقت فرد خودش رأی صادر می‌کند و خودش به آن عمل می‌کند و آزادی عمل و اعمال سلیقه در این نوع از دین‌داری تا سر حد امکان وجود دارد (سپیدنامه، ۱۳۹۷). این وضعیت باعث تضعیف تسلط دین بر جامعه و متکثر شدن واقعیت - هم اجتماعی و هم ذهنی - دین می‌شود (توسلی و مرشدی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۱). نتیجه این فرایند، رسمیت‌زدایی و مرکزیت‌زدایی هر چه بیشتر از دین و افزایش تنوع در گرایش‌های دینی خواهد بود (محدثی، ۱۳۹۱).

از سویی دیگر اصول و مبانی کلی هر علم و دانشی در قرآن کریم است و راهکار پاسخگویی به کلیه نیازمندی‌ها و مسائل مستحدثه جوامع مدرن نیز از خلال توجه به مفاهیم آیات قرآن قابل برداشت است (عترت دوست، ۱۳۹۷، ص ۸۰).

بر این اساس برای تبیین دین‌داری خودمحور نیز رجوع به آیات قرآن کریم راهگساست. زیرا قرآن کریم در آیات بسیاری دو گروه «اهل ایمان» و «اهل کفر» را توصیف کرده است «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا أُولِيَاءُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (بقره: ۲۵۷) اما در تعداد قابل توجهی از آیات نیز از فضای دو قطبی ایمان و کفر خارج شده و نوعی از دین‌داری با محوریت «خودمحوری فرد دین‌دار» برای مخاطبان خویش ترسیم می‌کند. این پژوهش با تمرکز بر این آیات، در پی پاسخ به این سؤال است که از منظر قرآن کریم مؤلفه‌های دین‌داری خودمحور کدامند و این دین‌داری چه تأثیری بر حیات دینی فرد و اجتماع دارد؟

پیشینه تحقیق

جستجوی انجام گرفته در خصوص پیشینه پژوهش مؤید این ادعاست که تاکنون تحقیق با عنوان «دین‌داری خود محور در قرآن کریم» انجام نپذیرفته است اما شاهد پژوهش‌های دیگری هستیم که به نحوی در ارتباط با موضوع این مقاله‌اند که عبارتند از:

غلامی (۱۳۸۸) در پایان‌نامه خویش با عنوان «بررسی موضوع التقاط در قرآن و حدیث با رویکردی بر نظریات شهید مطهری» مهم‌ترین تأثیر نامطلوب التقاط را تجزیه مکتب و افتادن به ورطه کفر و بی‌ایمانی می‌داند (غلامی، ۱۳۸۸، ص ۱۱). در این پژوهش التقاط به عنوان نوعی برخورد گزینشی با مفاهیم دینی عنوان شده است که می‌تواند معرف خودمحوری دینی باشد.

چرم دوز (۱۳۹۳) در پایان‌نامه خویش با عنوان «مقایسه دین‌داری تکلیف محور و دین‌داری متکلفانه» با مقایسه این دو دین‌داری بر این عقیده است که دین‌داری تکلیف محور نشأت گرفته از بصیرت به منظور معرفت است و دین‌داری متکلفانه برگرفته از تعصبات، بدعت‌ها، افراط و تفریط‌ها، وسوسه‌های نفسانی و آداب و رسوم غلط است (چرم دوز، ۱۳۹۳، ص ۵). در این پژوهش عملکردهای متکلفانه دین‌داران را می‌توان وجوهی از خودمحوری دینی دانست.

بادفر (۱۳۹۴) در پایان‌نامه خویش با عنوان «گونه‌شناسی سبک‌های دین‌داری مسلمانان در قرآن و نهج البلاغه» در قالب دو محور «دین‌داری گزینشی» و «دین‌داری نوآورانه» (بادفر، ۱۳۹۴، ص ۵۵) به برخی از عملکردهای خودمحورانه دین‌داران پرداخته است.

کاشانی (۱۳۹۴) در مقاله «آسیب‌شناسی دین‌داری در بعد عملکرد از منظر قرآن کریم» عملکردهای آسیب‌رسان را به سه دسته عملکردهای آسیب‌رسان به «عرصه شناخت دین»، «عمل به دین» و «ماندگاری در مسیر دین» تقسیم کرده است (کاشانی، ۱۳۹۴، ص ۹۱). وی عملکرد خودمحورانه دین‌داران را ذیل عنوان «آسیب» بررسی کرده است.

وجه مشابهت پژوهش حاضر با پیشینه‌های یاد شده در التفات به مؤلفه‌های دین‌داری خودمحمور است و وجه تمایز آن، تمرکز بر مفهوم «دین‌داری خودمحمور» و مطرح نمودن آن به عنوان گونه‌ای مستقل از انواع خوانش‌های دینی در قرآن کریم است.

روش تحقیق

روش تحقیق مختار در این پژوهش از نوع «تحلیل محتوای کیفی» است. «تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی- محتوایی داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی، کدبندی و تم سازی با طراحی الگوهای شناخته شده دانست. عینیت نتایج به وسیله وجود یک فرایند کدبندی نظام‌مند تضمین می‌شود. تحلیل محتوای کیفی به فراسویی از کلمات یا محتوای عینی متون می‌رود و تم‌ها^۱ یا الگوهایی را که آشکار یا پنهان هستند به صورت محتوای آشکار می‌آزماید. یکی از موضوعات درخور توجه در تحلیل محتوای کیفی، تصمیم‌گیری درباره این موضوع است که آیا تحلیل بر محتوای پنهان تأکید می‌کند یا آشکار؟ زیرا محتوای آشکار و محتوای پنهان^۲ در تحلیل محتوای کیفی به تفسیر مربوط هستند ولی تفسیرها در عمق و سطح انتزاع متفاوت هستند. همین عامل موجب شده است که محققان تحلیل محتوای کیفی را به منزله روشی انعطاف‌پذیر به‌ویژه برای داده‌های متنی در نظر بگیرند» (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۴، ص ۱۰). تحلیل محتوای کیفی از نوع استقرایی است که برای روشن ساختن مفاهیم و مقولات آشکار و پنهان متن استفاده می‌شود. تحلیل محتوا به طور بالقوه یکی از مهم‌ترین تکنیک‌های پژوهش در علوم اجتماعی است که در پی شناخت داده‌ها به منزله پدیده‌های نمادین است و بدون اخلال در واقعیت اجتماعی به تحلیل آن‌ها می‌پردازد (فلیک، ۱۳۹۱، ص ۲۲۶). فرایند پژوهش بر اساس رجوع به آیات قرآن کریم، رصد مباحث مورد نظر بر اساس مدل مفهومی و درون فهمی آیات با استناد به تفاسیر معتبر انجام پذیرفته است. ابزار گردآوری داده‌ها، فیش‌برداری از متون مختلف با تأکید بر قرآن کریم است.

۱. دین‌داری خودمحمور در قرآن کریم

قرآن کریم دین‌داری را از عوامل اصلی رفاه و گشایش (قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۱۲۳) می‌داند و می‌فرماید «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» (اعراف: ۹۶) و رعایت حدود الهی را زمینه‌ای برای محقق شدن دین‌داری برشمرده است «تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا

1. Themes

2. Hidden and obvious content

تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ» (بقره: ۱۸۷) بر این اساس دین‌داری حرکت در مسیر تعیین شده و اجرای حدود الهی است.

برخی از امور از جمله «خود تشخیصی فرد دین‌دار» سبب انحراف انسان از مسیر دین‌داری است. قرآن کریم این انحراف را در قالب یک مفهوم کلی و با کلید واژه «هوای نفس» در آیات بسیاری از جمله «أَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ» (فرقان: ۴۳) تبیین کرده است و همواره انسان‌ها را از پیمودن این مسیر نهی کرده است «وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» (ص: ۲۶). بر این اساس عملکرد خودمحوورانه دین‌داران یا به تعبیر قرآن کریم «هوای نفس»، خروج از حدود الهی و وضع حدود جدید است که منجر به ظهور نوعی از دین‌داری به نام «دین‌داری خودمحوور» خواهد شد. در این پژوهش مهم‌ترین وجوه عملکرد خودمحوورانه دین‌داران در قرآن کریم ذیل سه مؤلفه «عدم پذیرش سیادت دین»، «توجیه» و «گزینش» مورد تحلیل قرار گرفته است.

۱-۱. عدم پذیرش سیادت دین

قرآن کریم پیامبران، اولی‌الامر و کتاب را به عنوان محورهای دینی معرفی کرده و پذیرش آنان را در قالب مفاهیم بسیاری از جمله «ایمان» (بقره: ۲۸۵) «تسلیم» (بقره: ۱۳۶) «اطاعت» (نساء: ۵۹) و «تبعیت» (آل عمران: ۳۱) تبیین کرده است و کار بنیادی انبیاء و کتاب‌های آسمانی شکوفا ساختن فطرت و به رشد رساندن اندیشه‌ها و یادآوری ارزش‌ها می‌داند (کریمی و مهمان‌نواز، ۱۳۸۸، ص ۹). قرآن کریم بر این باور است که در پاره‌ای از موارد، عملکرد خودمحوورانه دین‌داران، نقش محوری دین را در کنش‌های آنان کمرنگ ساخته و به حاشیه رانده و موجب عدم سیادت دین در نظام ترجیحات آنان گشته است. البته «عدم پذیرش سیادت دین» به معنای انکار مراجع دینی نیست بلکه به این معناست که فرد دین‌دار در برخی از موقعیت‌ها تشخیص خود را بر تشخیص مراجع ارجح می‌داند. گونه‌های مختلف این ترجیحات عبارتند از:

۱-۱-۱. تقدّم بر مراجع دینی

تقدّم، سبقت جستن و پیشی گرفتن از مراجع دینی است که در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدِمُوا بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (حجرات: ۱) مؤمنان را از آن نهی کرده است. مفسران در شأن نزول این آیه موارد متعددی را ذکر کرده‌اند از جمله اظهار نظر و بیان کردن رأیی متفاوت با رأی پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در مسأله انتخاب جانشین هنگام حرکت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به سوی خیبر و یا انجام عبادات پیش از موقع (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۹، ص ۶۱۲۱).



اما باید گفت در این آیه متعلق «لا تُقَدِّمُوا» ذکر نشده است و لذا افاده عموم می‌کند (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۸، ص ۹۱) و به معنای این است که در قول و فعل پیشی نگیرید «لا تقدموا قولاً و لا فعلاً» (طنطاوی، ۱۹۹۷، ج ۱۳، ص ۲۲۹) و در اموری که به دین و مصالح عمومی مرتبط است شتاب نکنید، تا این که خداوند با زبان پیامبرش درباره آن حکم کند (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۷، ص ۱۰۷). شایان ذکر است که آوردن نام خدا قبل از نام رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نشانگر این است که سبقت جستن به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) سبقت جستن بر خداوند هم هست (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۸، ص ۳۰۷).

شایان توجه است که وسعت مفهومی این آیه هرگونه تقدّم و تأخّر و گفتار و رفتار خودسرانه و خارج از دستور رهبری را شامل می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۲، ص ۱۴۷) به عنوان نمونه هنگامی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در سال هشتم هجرت برای فتح مکه حرکت کردند ماه مبارک رمضان بود و جمعیت زیادی با ایشان همراه بودند. وقتی به منزلگاه «کراع الغمیم» رسیدند ظرف آبی را آوردند و حضرت (صلی الله علیه و آله) روزه خود را افطار کرد. همراهان نیز افطار کردند اما جمعی از آنها حاضر به افطار نشدند و بر روزه خود باقی ماندند. پیامبر آنها را «عصاة» یعنی جمعیت گنهکاران نامید (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۰، ص ۱۷۶) نکته قابل توجه در این مبحث، عملکرد خودمحمورانه دین‌داران در برابر حکم خدا و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است.

۱-۱-۲. اعمال اختیار

قرآن کریم دین‌داران را از تفویض رأی و نظر خود بر رأی خدا و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نهی می‌کند و می‌فرماید «وَ مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَ لَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ» (احزاب: ۳۶) شأن نزول این آیه داستان ازدواج «زینب بنت جحش» (دختر عمه پیامبر گرامی اسلام) با «زید بن حارثه» برده آزاد شده پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است. هنگامی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از زینب برای زید خواستگاری کرد ایشان و برادرش عبدالله ابتدا امتناع نمودند اما وقتی که آیه نازل شد رضایت خویش را اعلام کردند (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۵، ص ۱۶۹) هنگامی که خدا و رسول به چیزی حکم می‌کنند پس احدی نمی‌تواند مخالفت کند (قاسمی، ۱۴۱۸، ج ۸، ص ۷۶) و بعضی هواهای نفسانی را حجاب بین خود و بین امر خدا و رسولش قرار دهد (سعدی، ۱۴۰۸، ص ۷۹۸) بلکه بر آنها واجب است که آراء و اختیار خودشان را تابع و پیرو رأی پیامبر (صلی الله علیه و آله) قرار دهند (خسروانی، ۱۳۹۰ق، ج ۷، ص ۳۶).

اهمیت این موضوع تا آنجاست که قرآن کریم حتی دین‌داران را از «خودمحموری درونی» در برابر حکم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نهی کرده است «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَ يُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (نساء: ۶۵) در شأن نزول این آیه آمده است که «زبیر بن عوام» که از مهاجران بود با یکی از انصار (مسلمانان مدینه) بر سر آبیاری نخلستان‌های خود که در کنار هم قرار داشتند، اختلافی پیدا کرد و طرفین دعوا برای حل اختلاف خود، خدمت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) رسیدند.

از آنجا که باغستان زبیر در قسمت بالای نهر و باغستان انصاری در قسمت پائین نهر قرار داشت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به زبیر دستور داد که اول او باغهایش را آبیاری کند و بعد مسلمان انصاری (و این مطابق همان سنتی بود که در باغ‌های مجاور هم جریان داشت) اما این مرد انصاری به ظاهر مسلمان، از داوری عادلانه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) ناراحت شد و گفت: آیا این قضاوت به خاطر آن بود که زبیر، عمه‌زاده تو است؟ پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از این سخن بسیار ناراحت شد به حدی که رنگ رخسار او دگرگون گردید. در این موقع آیه فوق نازل شد و به مسلمانان هشدار داد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۴۵۳).

فراز «لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا» که در آیه بیان شده است برای بیان خضوع دونی است «لبیان الخضوع النفسی» (ابوزهره، بی تا، ج ۴، ص ۱۷۴۵) و منظور این است که برای خودشان حق استقلال رأی قائل نباشند «لا يجدون لأنفسهم الحق في الاستقلال في رأي» (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۷، ص ۳۴۲) و رضای تام و قبول مطلق بدون رنجش داشته باشند (زحیلی، ۱۴۱۱، ج ۵، ص ۱۳۹) ضیق و تنگی دل نشانگر خودمحموری درونی است که مقدمه‌ای برای خودمحموری بیرونی و اعلام کراهت از رأی صادر شده از جانب رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است.

به نظر می‌رسد «اجتهاد در مقابل نص» که یکی از مباحث مهم در حوزه معارف اسلامی است را می‌توان نمونه‌ای از اعمال اختیار دین‌داران در برابر حکم و فرمان مرجع‌های دینی دانست. مرحوم شرف الدین عاملی در کتاب ارزشمند «النص و الاجتهاد» بیش از هفتاد مورد از اجتهاد در برابر نص را بعد از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) برمی‌شمارد که یاران ایشان و گروه‌های بعدی مصلحت و غرض شخصی را بر نص و وحی الهی مقدم داشتند (شرف الدین عاملی، ۱۳۸۴).

۱-۱-۳. اعلام مخالفت با مراجع دینی

هنگامی که خودمحموری در انسان به درجه بالایی برسد انسان در مقابل کارگزاران دین اعلام مخالفت می‌کند. بر این اساس قرآن کریم انسان‌ها را از مخالفت با دستورات پیامبر بر حذر



داشته است «فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (نور: ۳۶) منظور از مخالفت، انصراف بدون اذن ایشان (بغوی، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۴۳۳) است. این افراد با ترک امور مقتضی، با امر پیامبر ^(صلی الله علیه و آله) مخالفت کرده و بر خلاف جهت ایشان حرکت می‌کنند و این به معنای اعراض و میل است (حقی برسوی، بی‌تا، ج ۶، ص ۱۸۵) این آیه دلالت دارد بر اینکه امتثال اوامر پیامبر واجب است. زیرا اگر واجب نبود، خداوند مخالفت آن را مورد تهدید و تحذیر قرار نمی‌داد (طبرسی، بی‌تا، ج ۱۷، ص ۱۷۸).

۲-۱. توجیه کنش دین‌ورزانه

در مبحث توجیه، فرد دین‌دار برای کنش خودمحوری‌اش، توجیهاتی را ارائه می‌کند. به عنوان نمونه ابلیس در توجیه مخالفت خود از فرمان خدا مبنی بر سجده بر آدم گفت: «أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ» (اعراف: ۱۲) توجیهات دین‌داران ذیل سه محور تحلیل گردیده است که عبارتند از:

۱-۲-۱. توجیه در انتخاب معبود

یکی از مباحثی که در قرآن کریم در آیات متعددی به آن اشاره شده است خودمحوری در انتخاب معبود و توجیه این عملکرد است. از جمله این افراد، بت پرستانی بودند که نظام توحیدی را پذیرفته و در وجود خدا به عنوان خالق هستی تردیدی نداشتند «وَلَيْسَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ» (زمر: ۳۸) به بیان دیگر توحید ذاتی و اینکه جهان دارای یک مبدأ است را باور داشتند ولی در اصطلاح توحید افعالی و صفاتی را نمی‌پذیرفتند و از این جهت مشرک بودند (آذربایجانی، ۱۳۹۳، ص ۵۴) پندارشان بر این بود که نیروهای الهی در ستارگان و دیگر مظاهر طبیعت پخش شده است و بتها را به عنوان سمبل‌های خدا می‌پرستیدند (بهروز، ۱۳۵۹، صص ۱۲-۱۳) زیرا «الله» را دست نیافتنی و دور از خود می‌پنداشتند و به جای او به آنچه نزدیک و محسوس بود از قوای طبیعت پناه می‌جستند. اعتقاد به «الله» در میان اعراب اعتقادی دیرینه است و از اصل سامی آنها نشأت گرفته است (الفاخوری، ۱۳۸۸، ص ۲۲).

توجیه بت پرستان این بود که ما این بتها را عبادت می‌کنیم تا ما را به خداوند نزدیک کنند «أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى» (زمر: ۳) زلفی به معنای قربی است «و بذلك كانت عبادتهم للواسطة التي تقرب من الله» (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۱۹، ص ۲۹۶) از دیگر توجیهات بت پرستان در انتخاب مسیر دین‌داری خویش، تبعیت از آبا و

اجداد بود «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئاً وَ لَا يَهْتَدُونَ» (بقره: ۱۷۰).

از دیگر نمونه‌های خودمحوری در انتخاب معبود، عملکرد «سامری» در ساخت گوساله طلایی و معرفی آن به مردم به عنوان اله بود «فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمْ وَ إِلَهُ مُوسَى» (طه: ۸۸) سامری از افرادی است که با بنی اسرائیل از مصر خارج شد و در ظاهر جزء مؤمنان به حضرت موسی ^(علیه السلام) بوده و از بزرگان بنی اسرائیل حساب می‌شد (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۶، ص ۱۵۲) سامری در غیاب حضرت موسی ^(علیه السلام) اقدام به چنین کاری کرد. هنگامی که حضرت موسی ^(علیه السلام) از میقات بازگشت او را بازخواست نمود «قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَا سَامِرِيُّ» (طه: ۹۵) «قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِنْ أَثَرِ الرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا وَ كَذَلِكَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي» (طه: ۹۶) توجیه سامری این بود که نفسم این کار را در نظرم زینت داد و من به هوای نفسم انجام دادم (نهایندی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۲۴۸).

شایان ذکر است که یکی از حالات نفس انسانی «تسویل» است، که نفس را به این اعتبار «مسوله» نامند که گناهان را آرایش و زینت کند. سامری به اقرار خود گوساله‌پرستی و گمراهی ششصد هزار نفر بنی اسرائیلی را از تسویلات نفس خود می‌شمارد (شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۸، ص ۳۲۰) البته شهوت ریاست موجب فریب سامری شد زیرا او به ریاست هارون رضایت نداشت و به همین دلیل حادثه، عجل را ساخت (مدرسی، ۱۴۱۹، ج ۷، ص ۲۱۸).

۱-۲-۲. توجیه در انتخاب مسیر نادرست

برخی از افراد برای مسیر نادرستی که در ساحت دین‌داری انتخاب کرده اند توجیهاتی ارائه می‌کنند. به عنوان نمونه قرآن کریم در بیان گفتگوی افراد تحت ستم کافران (مستضعفین معنوی) با فرشتگان قبض روح می‌فرماید «إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَمْ لَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَ سَاءَتْ مَصِيرًا» (نساء: ۹۷) در این آیه برخی از افرادی که با ماندن زیر سلطه کافران بر خویش ستم کرده‌اند در برابر فرشتگان قبض روح می‌گویند ما در زمین، مستضعف بودیم و در سرزمین خود در برابر اهل شرک ناتوان بودیم، زیرا آنان جمعیتی نیرومندتر بودند و ما را از ایمان به خدا باز می‌داشتند (طبرسی، بی تا، ج ۶، ص ۶) در این آیه منظور از استضعاف، استضعاف معنوی و ضعف در عقیده و ایمان است. البته قرآن کریم توجیه آنان نمی‌پذیرد و راه برون‌رفت از چنین شرایط سختی را «هجرت» می‌داند.



افراد توجیه‌گر، تمام ابزارهای هدایت از جمله عقل (رسول باطن) و پیامبران (رسولان ظاهر) را کناری نهاده و همواره مسیر نادرست خود را توجیه می‌کنند. گاهی آن را معطوف به اراده خدا می‌کنند «قَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَنُ مَا عَبَدْنَاكُمْ» (زخرف: ۲۰) حتی در قیامت، اطاعت از بزرگان را به عنوان توجیه گمراهی خود بر می‌شمارند «وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبْرَاءَنَا فَأَصْلُونَا السَّبِيلَا» (احزاب: ۶۷) اما در پاسخ این افراد باید گفت: درست است بزرگان شما را اضلال کردند اما شما نیز پذیرفته و اطاعت کردید (طیب، ۱۳۶۹، ج ۱۰، ص ۵۳۴).

۱-۲-۳. توجیه در ترک تکالیف دینی

تکلیف امری است که انجام آن برای انسان سخت است «التَّكْلِيفُ الْأَمْرُ بِمَا يَشُقُّ عَلَيْكَ» (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۱۱۵) هر دینی برای دین‌داران وظایف و تکالیفی مشخص کرده است اما عمل به این وظایف نزد همه دین‌داران یکسان نیست و این امر یکی از چالش‌های پیش روی دین‌داران است. به عنوان نمونه، شرکت در جهاد که همواره با خطر جانی همراه است، برای برخی از دین‌داران طاقت فرساست. به همین دلیل، گروهی از آنان حفاظ نداشتن خانه‌ها را توجیهی برای ترک جهاد بیان می‌کردند «وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِنْ يُرِيدُونَ إِلَّا الْفِرَارَ» (احزاب: ۱۳). امام علی (علیه السلام) نیز در خطبه جهاد از دینداری که گرمی و سردی را بهانه‌ای برای ترک جهاد می‌دانند انتقاد می‌کند و می‌فرماید: «فَإِذَا أَمَرْتُكُمْ بِالسَّبْرِ إِلَيْهِمْ فِي أَيَّامِ الْحَرِّ قُلْتُمْ: هَذِهِ حَمَارَةٌ الْقَيْظِ، أَمَهْلُنَا يُسَبِّحُ عَنَّا الْحُرُّ. وَإِذَا أَمَرْتُكُمْ بِالسَّبْرِ إِلَيْهِمْ فِي الشِّتَاءِ قُلْتُمْ: هَذِهِ صَبَارَةٌ الْقُرِّ، أَمَهْلُنَا يُنْسَلِخُ عَنَّا الْبَرْدُ» (نهج البلاغه: خطبه ۲۷).

از جمله وظایفی که خداوند بر عهده مسلمانان قرار داده است دوری از بیگانگان است. قرآن کریم در برخی از آیات با سفارش به این نکته که یهود و نصاری را دوست و هم پیمان خود قرار ندهید، مسلمانان را از گرایش به بیگانگان نهی کرده است اما برخی از بیماردلان با بی‌توجهی به سفارش قرآن، در توجیه کار خود می‌گویند: می‌ترسیم حادثه‌ای برای ما پیش آید (و ما به کمک آنان نیازمند شویم) «فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَى أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ» (مائده: ۵۲) البته برخی از آنان هم در توجیه اعمال ناشایست خود می‌گفتند: «وَإِذَا فَعَلُوا فَاجِسَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ» (اعراف: ۲۸).

۳-۱. گزینش

گزینش در دین‌داری خودم‌محور به آن معناست که افراد در برخورد با کنش‌های دین‌ورزانه‌ای که برای آنها ترسیم شده است برخوردی گزینشی و انتخابی دارند برخی را انتخاب و برخی دیگر را رها می‌کنند.

۱-۳-۱. گزینش در عرضه دین

قرآن کریم عرضه دین، را به عهده گروه‌هایی از جمله پیامبران و عالمان دین قرار داده و عملکرد متفاوت این دو گروه را تبیین کرده است. پیامبران خویشتن را تابع وحی «إِنَّمَا أَتَّبِعُ مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ مِنْ رَبِّي» (اعراف: ۲۰۳) و ابلاغ‌کننده پیام الهی بدون تغییر یا تبدیل می‌دانند (طنطاوی، ۱۹۹۷، ج ۵، ص ۴۶۱) حتی برخی از صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که واژه «امی» که در توصیف پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به کار رفته است بیانگر آن است که آن حضرت، قرآن را پیوسته و همان‌گونه که نازل شده بود، بدون تغییر و دگرگونی در واژگانش، برای امت تلاوت می‌کرد (بدوی، ۱۳۸۳، ص ۱۸).

در برخی از مواقع نیز مشرکان از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) درخواست تبدیل آیات الهی را داشتند اما امانت‌داری پیامبران در دریافت و ابلاغ وحی آنان را از پذیرش هر گونه درخواست نابجا مبنی بر تبدیل و تغییر آیات الهی مصون نگه داشته بود «وَ إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا آتِ بِقُرْآنٍ غَيْرِ هَذَا أَوْ بَدِّلْهُ قُلْ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أُبَدِّلَهُ مِنْ تَلْقَائِنَا نَفْسِي إِنِّي أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ» (یونس: ۱۵) منظور از «أُبَدِّلُهُ» این است که اصل قرآن حفظ شود اما رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) معارفی که مخالف با هوای آنهاست به معانی موافق آنها تغییر دهد «أَنْ يَغْيِرَ مَا فِيهِ مِنَ الْمَعَارِفِ الْمَخَالَفَةَ لِأَهْوَائِهِمْ إِلَىٰ مَعَانٍ يُوَافِقُهَا مَعَ حِفْظِ أَصْلِهِ» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۰، ص ۲۷) بر این اساس پیامبران مبراً از هر گونه برخورد گزینشی با آیات وحی هستند.

اما قرآن کریم عملکرد گزینشی برخی از عالمان دین را در قالب سه مفهوم «اخفاء»، «کتمان» و «تحریف» تبیین کرده است و می‌فرماید «وَ مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيَّ بَشَرًا مِنْ شَيْءٍ قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَىٰ نُورًا وَ هُدًىٰ لِلنَّاسِ لِيُبَيِّنَ لَهُمُ الْآيَاتِ اللَّاتِي بَيَّنَّا لَهُمْ أَنْ يَتْلَوْهُ فَتَعْلَمُونَ قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ اطِيعُوا أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّ اللَّهَ مُخْلِصٌ لِلرَّسُولِ وَ أَهْلِ الْبَيْتِ مِنَ الْكُفْرَانِ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (انعام: ۹۱) علمای یهود (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۵۰۹) تورات را به صفحات پراکنده‌ای تبدیل کرده و بعضی را که به سود آنهاست آشکار و بسیاری را که به زیان خود می‌دانستند پنهان داشته بودند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۳۳۸) آن قسمت‌هایی که موافق هوایشان بود (آشکار



کرده بودند) و بیشتر قسمت‌هایی که نمی‌خواستند پنهان کرده بودند «فیها ما یوافق أهواءهم، و یخفون الکثیر مما لا یشتهون» (خطیب، ۱۴۲۴، ج ۴، ص ۲۳۷).

درباره اینکه علمای یهود چه قسمت‌هایی را پنهان کرده‌اند بسیاری از مفسران پوشیده داشتن قسمت‌های مربوط به وصف پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و بشارت ظهور ایشان (طبرسی، بی‌تا، ج ۸، ص ۱۸۱؛ فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۹، ص ۲۲۲) را بیان کرده‌اند. البته مذمت عالمان یهود بر گزینشی عمل کردن در بیان حقایق تورات، گوشزد به همه حاملان کتب آسمانی است که در تبیین و تفسیر آنها منافع خویش را در نظر نگیرند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۵، ج ۵، ص ۱۷۵).

قرآن کریم عالمان را از برخی از عملکردهای گزینشی از جمله «کتمان» نهی کرده است «وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَ لَا تَكْتُمُونَهُ» (آل عمران: ۱۸۷) خداوند «کتمان» را تنها عاملی دانسته است که موجب اختلاف مردم در دین و تفرقه آنان در راه‌های هدایت و ضلالت می‌شود زیرا دین فطری است «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً، فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (روم: ۳۰) (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۸۹). کتمان حق، جامعه انسانی را از سیر تکامل فطری باز می‌دارد. اگر هنگام ظهور اسلام و بعد از آن، دانشمندان یهود و نصاری در مورد بشارت‌های عهدین افشاگری کامل کرده بودند ممکن بود در مدت کوتاهی هر سه ملت زیر یک پرچم گرد آیند، و از برکات این وحدت برخوردار شوند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۵۵۰).

یکی دیگر از عملکردهای گزینشی عالمان یهود، «تحریف» است «أَفْتَطَمُّعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَ قَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يَحْرِفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ» (بقره: ۷۵). تحریف از ماده «حرف» به معنای کژ کردن و برگردانیدن چیزی است و تحریف کلام، تغییر معنای آن است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۱۲۹) همچنین تحریف کلام آن است که آن را در گوشه‌ای از احتمال قرار بدهی که بتوان آن را به دو وجه حمل کرد «أَنْ تُجْعَلَ عَلَى حَرْفٍ مِنَ الاحْتِمَالِ بِمَكْنِ حَمَلِهِ عَلَى الْوَجْهِينِ» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۲۸). تحریف به دو وسیله محقق می‌شود: یکی تأویل ناروا و بد (بدون تغییر در ساختار کلام) و دیگری تغییر و تبدیل آن «فالتحريف يكون بأمرين: بسوء التأويل، و بالتغيير و التبديل» (طوسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۷۰).

۱-۳-۲. گزینش در انجام احکام دین

دین‌داران در برابر انجام احکام دینی عملکردهای متفاوتی دارند برخی همه را بدون قید و شرط می‌پذیرند «كُلُّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا» (آل عمران: ۷) اما برخی از آنان دست به انتخاب و گزینش می‌زنند.

قرآن کریم عملکرد گزینشی دین‌داران را در قالب دو مفهوم «تبعیض» و «تقسیم» ترسیم کرده است.

مفهوم تبعیض با کلید واژه «نومن بیعض و نکفر بیعض» بیان شده است. قرآن کریم درباره یهودیانی که به حرمت قتل، همکاری در گناه و دشمنی و آواره کردن از دیار کافر شدند اما به فدیة دادن اسیران ایمان آوردند می‌فرماید «ثُمَّ أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَ تَخْرُجُونَ فَرِيقًا مِنْكُمْ مِنْ دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِمْ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَإِنْ يَأْتِوكُمْ أُسَارَى تُفَادُوهُمْ وَ هُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ أَ فَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَ تَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ» (بقره: ۸۵) از دیدگاه برخی از صاحب‌نظران «نومن بیعض و نکفر بیعض» التقاط است (صفایی حائری، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۸) زیرا تورات آسمانی مجموعه احکام الهی است (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۳۶) اما یهودیان دستورات فردی را پذیرفته ولی دستورات عمومی و مواثیق حیات‌بخش را نادیده گرفته‌اند (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۱۹).

این کار به مثابه بازیچه قرار دادن و ریشخند کردن دین «و هذا عين اللعب والاستهزاء بالدين» (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۱۴۵) و نقض میثاق (قطب، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۸۸) است. اصولاً عمل کردن به دستوراتی که به سود انسان است نشانه اطاعت از خدا نیست، زیرا انگیزه آن فرمان خدا نیست بلکه حفظ منافع شخصی است و تبعیض در اجرای قوانین نشانه روح تمرد و احیاناً عدم ایمان است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۳۰).

قرآن کریم مقتسمین و تجزیه‌کنندگان را وعده عذاب می‌دهد و می‌فرماید: «كَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ * الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ» (حجر: ۹۰-۹۱). «عِضِينَ» به معنی متفرق و جزء جزء کردن است «عَضًا الشَّيْءَ عَضُوًّا: فَرَّقَهُ» (قرشی بنایی، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۱۵) منظور از مقتسمین افرادی هستند که کتابهای آسمانی را قسمت قسمت کرده، به قسمتی ایمان می‌آوردند و به قسمتی نه (طبرسی، بی تا، ج ۱۳، ص ۲۱۵) «الذين آمنوا ببعض، و كفروا ببعض» (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۴، ص ۴۲).

در تاریخ نمونه‌های فراوانی از عملکردهای گزینشی دین‌داران می‌توان مشاهده نمود. به عنوان نمونه برخی از افراد در زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به امور خانواده توجه نمی‌کردند و تمام وقت خود را صرف عبادت می‌کردند. همسران این افراد شکایت خود را نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌بردند و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آنان را از این کار نهی می‌کردند. در زمان حاضر نیز برخی از افراد اعتنای کمتری به مناسک فردی و جمعی دارند اما اهتمام بسیاری به مهربانی و دستگیری از هموعان و حتی شفقت نسبت به حیوانات دارند.



۱-۳-۳. گزینش در اجرای عمومی دین

منظور از گزینش در اجرای عمومی دین، بازخورد برخوردارهای گزینشی با دین در سطح جامعه است. زیرا در برخی مواقع انسان در خلوت و در ضمیر خویش حکمی را تغییر می‌دهد و طور دیگری به یک مسئله نگاه می‌کند اما در برخی مواقع انسان این تطورات درونی خود را به درون جامعه می‌کشد و در جایگاه یک سخنران، نویسنده یا رهبر دینی قرار می‌گیرد و زمینه به وجود آمدن فرقه‌های دینی را فراهم می‌آورد. به بیان دیگر هنگامی که در عرضه و انجام دین برخوردارهای گزینشی صورت گیرد تأثیر این برخوردارهای گزینشی در سطح عمومی جامعه نیز خود را نشان خواهد داد. این مبحث در قالب سه مفهوم «تفرقه»، «اختلاف» و «تقطیع» بیان شده است.

قرآن کریم یکی از وظایف انبیای الهی را اقامه دین و عدم تفرقه در آن می‌داند «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أُوحِيَنا إِلَيْكَ وَ ما وَصَّنا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسى وَ عِيسى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ» (شوری: ۱۳) «آن» در این جمله تفسیری است و معنای اقامه دین، حفظ وحدت است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۸، ص ۳۰).

اما برخی از عوامل موجب پیدایش اختلاف و تفرقه در دین می‌شود. قرآن کریم این عامل را «بغی» می‌داند و در آیات متعددی از جمله «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَ ما اِخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ ما جاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْياً بَيْنَهُمْ» (آل عمران: ۱۹) و «وَ ما تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ ما جاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْياً بَيْنَهُمْ» (شوری: ۱۴) به این مبحث پرداخته است. «بغی» به معنای اراده کردن و قصد تجاوز نمودن یا در گذشتن از میانه‌روی است (راغب، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۹۵) و منظور از آن اعمال نظرهای شخصی دانشمندان دنیا طلب و عوام‌های متعصب است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۰، ص ۳۸۱) و نتیجه آن، تفرق در دین به صورت یهودی و مسیحی و مسلمان است «فالتفرق فی الدین إلی هود و نصاری و مسلمین» (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۲۶، ص ۱۴۶).

نتیجه اختلاف و تفرقه، «تقطیع» امر دین و پیدایش پدیده‌ای به نام «تحزب» است «وَ إِنَّ هذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ انا رَبُّكُمْ فَاتَّقُون» (مؤمنون: ۵۲) «فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبْراً كُلُّ حِزْبٍ بِما لَدَيْهِمْ فَرِحُون» (مؤمنون: ۵۳) زیرا هر دسته‌ای به کتابی گرویدند و سایر کتب را تکذیب کردند. از جمله یهود به انجیل و قرآن کافر شدند و مسیحیان به قرآن (طبرسی، بی تا، ج ۱۷، ص ۵۷) و بدین ترتیب مسئله (دین‌داری) از حالت ایمان به حالت تحزب تبدیل می‌شود «و تتحوَّل المسأله من حاله إيمان إلی حاله تحزب» (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۱۶، ص ۱۶۳) زیرا اقتضای تقطع، تحزب (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱۸، ص ۶۰) و تبدیل شدن دین به ادیان «جعلوا دینهم أديانا» (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۱۹۱) است. حزب، جماعتی است که بر امری از اعتقاد یا عمل اجتماع کرده‌اند و بر آن اتفاق نظر دارند

(ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱۸، ص ۶۰) و «تحزب» یعنی آن چیزی که به نام دین در عرصه عمومی جامعه ارائه می‌شود همه دین نیست بلکه قطعه‌ای از آن است و نکته قابل توجه در این آیه شادمانی هر کدام از حزب‌ها بر آن قطعه بر گرفته شده است.

باید اذعان نمود که این یک شادی خودخواهانه است که در آن فرصت هدایت برای دشمنان و نقد برای دوستان فراهم نمی‌شود (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۱۶، ص ۱۶۳) زیرا پیروان یک حزب به چیزی فکر نمی‌کنند و همه منافذ نسیم‌ها و شعاع‌های نور را بسته‌اند (قطب، ۱۴۲۵، ج ۴، ص ۲۴۷) این افراد خود را از همه روزنه‌های حیاتبخش محروم کرده‌اند و بنابراین حزب‌گرایی مانند زندان خودساخته است.

همچنین این آیه، ذم واضح برای تفرق و تشتت است (زحیلی، ۱۴۱۱، ج ۱۸، ص ۵۹) زیرا تحزب، تخلف از دین فطری و دین الله است (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۲۶، ص ۱۴۸) بنابراین تفرقه و اختلافی که در اثر «بغی» به وجود آمد دین را وارد مرحله جدیدی به نام «تقطع» و به دنبال آن «تحزب» نمود. از نمونه‌های تاریخی این مبحث، وقایع بعد از رحلت رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و قطعه قطعه شدن امت اسلام است. به عنوان نمونه می‌توان به پیدایش فرقه «خوارج» اشاره کرد. خوارج بنا بر اصل اعتقادی خود که مرتکب گناه کبیره کافر است و کافر را باید کشت اعتقاد پیدا کردند که امام علی (علیه‌السلام) با پذیرش حکمیت در جنگ صفین کافر شده است و باید توبه کند و همین امر موجب به شهادت رسیدن امام در محراب مسجد کوفه شد و این آغاز انحراف جدی از حقیقت اسلام بود که به نوبه خود سبب مخالفت‌ها و موافقت‌ها و پیدایش فرق و مذاهب دیگر گردید (خاتمی، ۱۳۷۰، ص ۱۶).

شایان ذکر است که با توجه به تأکید آیه بر امت واحده و پرهیز از تفرقه‌گرایی، شاید بتوان گفت اگر تعدد احزاب و رقابت‌های آنان و تکیه و تأکید بر دیدگاه‌های حزبی در حد تفاوت سلیقه‌ها و برای شکوفایی استعدادها به تناسب تفاوت شرایط زمانی و مکانی باشد و اینها همه تجلیات متفاوت یک حقیقت باشد، نه تنها منعی ندارد که ضرورت حیات و لازمه حرکت است ولی اگر این تعدد منجر به تکه تکه شدن جامعه یک دست شود، راهی به بیراهه خواهد بود و چنین تحزبی از نگاه قرآنی مورد تقبیح است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۸، ص ۱۷).

نتایج تحقیق

۱- مطالعه و تدقیق در آیات قرآن کریم مؤید این ادعاست که قرآن کریم در مبحث دین‌داری قابل به فضایی دو قطبی به نام «ایمان» و «کفر» است. اما این دو قطبی شامل مراتبی از



تشکیک است که در قطب ایمان بیشتر تجلی نموده است. به عبارتی دیگر، شاهد خوانش‌های متکثرانه‌ای از دین‌نزد افرادی هستیم که ایمان آورده‌اند و یکی از این موارد، خودمحوری است. ۲- مفاهیم بسیاری از جمله هوای نفس، تقدّم، اخفاء، کتمان، تحریف، تبعیض، تقسیم، بغی، اختلاف، تفرقه، تقطیع، تحزّب و ... بر کنش خودمحورانه دین‌داران دلالت دارد و این وسعت دایره واژگان، نشانگر وفور عملکرد خودمحورانه دین‌داران در طول حیات دین‌ورزی آنان است.

۳- قرآن کریم، خودمحوری را به عنوان آسیبی برای کنش‌های دین‌ورزانه دانسته و در بسیاری از آیات انسان‌ها را از تمایل به آن، نهی نموده است.

۴- خودمحوری یعنی حرکت در مسیر دین‌داری بدون راهنما و این برخلاف فلسفه وجودی انبیاء الهی و هدایت تشریحی است و موجب آسیب رسیدن به موجودیت فردی و اجتماعی است. زیرا خطر به انحراف رفتن انسانهایی که بدون داشتن درکی جامع از دین، مسیر دین‌داری را طی می‌کنند وجود دارد. از سویی دیگر با ظهور درک‌های ناقص دین‌ورزانه در فضای عمومی، موجودیت و موضوعیت کامل دین در متن جامعه خدشه‌دار گشته و بسیاری از ظرفیت‌های دین مهمل می‌ماند. به دنبال آن همبستگی و وحدت دینی جامعه دچار آسیب می‌شود و زمینه تحزّب و فرقه‌گرایی فراهم می‌شود.

۵- تصور بسیاری از افراد آن است که دین‌داری خودمحور حوزه‌ای کاملاً شخصی و خصوصی است. در حالی که قرآن کریم به وجوه اجتماعی آن با ظرافت خاصی در قالب مبحث تحزّب توجه کرده است. به بیان دیگر «تحزّب» شکل اجتماعی خودمحوری در دین‌داری است. ۶- دین‌داری خودمحور یا «خودمحوری دینی» یا «خودمحوری دینی» سیادت دین را در متن زندگی انسان به حاشیه می‌راند و در تقابل با «تسلیم» به عنوان محوری‌ترین مبحث دین‌داری در قرآن کریم و جوهره همه ادیان الهی، قرار دارد که در آیه «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (آل عمران: ۱۹) به آن اشاره شده است.

۷- بر این اساس قرآن کریم در آیه «رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا» (آل عمران: ۸) بر دوری از زیغ یا انحراف از حق «المیل عن الحق» تأکید کرده است. همچنین بیشترین دعای پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، دعا برای تثبیت قلب بر ایمان بوده است: «ما كان أكثر دعاء النبي صلى الله عليه و آله؟ قالت: كان أكثر دعائه: «يا مقلب القلوب، ثبت قلبي على دينك».

کتاب‌نامه:

قرآن کریم.

- آذربایجانی، مسعود (۱۳۹۳)، *مقیاس سنجش دین‌داری (تهیه و ساخت آزمون جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام)*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ابن عاشور، محمدطاهر (۱۴۲۰)، *تفسیر التحریر و التنویر*، بیروت: مؤسسه تاریخ العربی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر.
- ابوزهره، محمد (بی‌تا)، *زهره التفاسیر*، بیروت: دار الفکر.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۸)، «حزب و تحزب در اندیشه اسلامی»، *مطالعات اسلامی: فقه و اصول*، دوره ۴۱، شماره ۸۲.
- ایمان، محمدتقی؛ نو شادی، محمودر ضا (۱۳۹۴)، «تحلیل محتوای کیفی»، *مجله عیار پژوهش در علوم انسانی*، دوره ۳، شماره ۲.
- بادفر، رحمت (۱۳۹۴)، *گونه شناسی سبک های دین‌داری مسلمانان در قرآن و نهج البلاغه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم قرآنی ایلام.
- بدوی، عبدالرحمن (۱۳۸۳)، *دفاع از قرآن در برابر آرای خاور شناسان*، مشهد: به نشر.
- بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۰)، *تفسیر البغوی المسمی معالم التنزیل*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- بهروز، احمد (۱۳۵۹)، *تاریخ ادبیات عرب*، تهران: شفق.
- توسلی، غلامعباس؛ مرشدی، ابوالفضل (۱۳۸۵)، «بررسی سطح دین‌داری و گرایش های دینی دانشجویان»، *مجله جامعه شناسی ایران*، دوره ۷، شماره ۴.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳)، *دین شناسی*، قم: انتشارات اسراء.
- چرم دوز، زهره (۱۳۹۳)، *مقایسه دین‌داری دین‌داری تکلیف محور و دین‌داری متکلفانه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه معارف قرآن و عترت (علیه السلام).
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۳)، «بررسی جامعه شناختی فرقه گرایی مذهبی و تأثیر آن بر نظم و ثبات سیاسی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال ۷، شماره ۲.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- حسن پور، آرش؛ شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۹۳)، «گونه شناسی دین‌داری جوانان شهر اصفهان»، *نشریه جامعه شناسی کاربردی*، دوره ۲۵، شماره ۵۶.

- حسن‌پور، آرش؛ معمار، ثریا (۱۳۹۴)، «مطالعه وضعیت دین ورزی جوانان با تأکید بر دین‌داری خودمرجع (ارائه یک نظریه زمینه‌ای)»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، دوره ۸، شماره ۳.
- حسینی همدانی، محمد (۱۴۰۴)، *انوار درخشان در تفسیر قرآن*، تهران: لطفی.
- حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی (بی تا)، *تفسیر روح البیان*، بیروت: دار الفکر.
- خاتمی، احمد (۱۳۷۰)، *فرهنگ علم کلام*، تهران: انتشارات صبا.
- خسروانی، علیرضا (۱۳۹۰ق)، *تفسیر خسروی*، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- خطیب، عبدالکریم (۱۴۲۴)، *التفسیر القرآنی للقرآن*، بیروت: دار الفکر العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت: انتشارات دارالعلم.
- زحیلی، وهبه (۱۴۱۱)، *التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج*، دمشق: دار الفکر.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل فی وجوه التأویل*، بیروت: دار الكتاب العربی.
- سپیدنامه، بهروز (۱۳۹۷)، *سنخ شناسی سبک‌های دین‌داری دانشجویان (مورد مطالعه: دانشگاه‌های ایلام)*، رساله دکتری جامعه شناسی فرهنگی، پژوهش‌شکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- سعدی، عبدالرحمن (۱۴۰۸)، *تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان*، بیروت: مکتبه النهضه العربیه.
- شاه عبدالعظیمی، حسین (۱۳۶۳)، *تفسیر اثنی عشری*، تهران: نشر میقات.
- شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸۴)، «مدلی برای سنجش دین‌داری در ایران»، *مجله جامعه شناسی ایران*، دوره ۶، شماره ۱.
- شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸۸)، *جامعه شناسی دین*، تهران: نشر نی.
- شجاعی زند، علیرضا (۱۳۹۱)، «مبنای ساخت مدل برای سنجش دین‌داری»، *مجله روش شناسی علوم انسانی*، دوره ۱۷، شماره ۶۸.
- شرف الدین عاملی، سید عبدالحسین (۱۳۸۴)، *النص و الاجتهاد*، طلیعه نور: قم.
- شیروانی، علی (۱۳۹۰)، «بررسی تعاریف دین از منظری دیگر»، *فصلنامه اندیشه نوین دینی*، دوره ۷، شماره ۲۷.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶)، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه*، قم: فرهنگ اسلامی.
- صفایی حائری، علی (۱۳۸۱)، *تطهیر با جاری قرآن*، قم: لیلۃ القدر.

- طالبان، محمدرضا (۱۳۸۰)، *دین‌داری و بزهکاری در میان جوانان*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- طالقانی، محمود (۱۳۶۲)، *پرتوی از قرآن*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن (بی‌تا)، *تفسیر مجمع البیان*، تهران: (بی‌نا).
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار المعرفه.
- طریحی، فخر الدین (۱۳۷۵)، *مجمع البحرین*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- طنطاوی، محمد سید (۱۹۹۷م)، *التفسیر الوسیط للقرآن الکریم*، قاهره: نهضة مصر.
- طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- طیب، عبدالحسین (۱۳۶۲)، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: اسلام.
- عترت دو ست، محمد (۱۳۹۷) «تحلیل محتوای کیفی شبکه معنایی «قدرت»؛ تلاشی برای فهم الگوی «قدرت نرم» در قرآن کریم»، *نشریه مطالعات قرآن و حدیث*، سال ۱۲، شماره ۱.
- علم الهدی، علی بن حسین (۱۴۲۰)، *أمالی المرتضی*، قاهره: دارالفکر العربی.
- غلامی، صلاح الدین (۱۳۸۸)، *بررسی موضوع التقاط در قرآن و حدیث با رویکردی بر نظریات شهید مطهری*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ایلام.
- الفاخوری، حنا (۱۳۶۶)، *تاریخ ادبیات زبان عربی از عصر جاهلی تا قرن معاصر*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: توس.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰)، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- فضل الله، محمد حسین (۱۴۱۹)، *من وحی القرآن*، بیروت: دار الملائک.
- فلیک، اووه (۱۳۸۸)، *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.
- قاسمی، جمال‌الدین (۱۴۱۸)، *تفسیر القاسمی المسمی محاسن التأویل*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۸)، *تفسیر نور*، تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن.
- قرشی بنایی، علی اکبر (۱۴۱۲)، *قاموس قرآن*، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴)، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران: ناصر خسرو.
- قطب، سید (۱۴۲۵)، *فی ظلال القرآن*، بیروت: دار الشروق.
- کاشانی، فاطمه؛ مستفید، حمیدرضا (۱۳۹۴)، «آسیب شناسی دین‌داری در بعد عملکرد از منظر قرآن کریم»، *نشریه کتاب و سنت*، شماره ۶.

- کریمی، محمود؛ مهمان‌نواز، علی (۱۳۸۸)، «مقایسه تحلیلی نظام اخلاقی اسلام و اعراب جاهلی با سه رویکرد فرهنگی، تاریخی و زبان‌شناسی»، *نشریه مطالعات قرآن و حدیث*، سال ۳، شماره ۱.
- کنیگ، ساموئل (۱۳۵۵)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه مشفق همدانی، تهران: امیرکبیر.
- کوهی، احمد و مهدی شریفی (۱۳۹۶)، *آینده دین‌داری در ایران - روند پژوهی (سند راهبردی)*، قم، مرکز برنامه ریزی و نظارت راهبردی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- محدثی، حسن (۱۳۹۱)، «رشد میدان‌های مستقل»، *مجله مهرنامه*، شماره ۲۰.
- مدرسی، محمدتقی (۱۴۱۹)، *من هدی القرآن*، تهران: دار محبی الحسین.
- مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴)، *التفسیر الکاشف*، قم: دار کتاب اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- نهایندی، محمد (۱۳۸۶)، *نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن*، قم: موسسه البعثه.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۶)، *تفسیر راهنما*، قم: بوستان کتاب.
- لیاده، میرچا (۱۳۷۲)، *دین پژوهی*، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

Bibliography:

The Holy Quran.

- Azarbayjani, Massoud (2014), *Religiosity Scale (preparation and construction of a test of religious orientation based on Islam)*, Qom: Research Institute and University.
- Ibn Ashur, Muhammad Tahir (1420), *Tafsir al-Tahrir wa al-Tanwir*, Beirut: Arab History Foundation.
- Ibn Manzoor, Muhammad ibn Makram (1414), *Language of the Arabs*, Beirut: Dar Sader.
- Abu Zohra, Muhammad (Bita), *Zohra al-Tafsir*, Beirut: Dar al-Fikr.
- Akhavan Kazemi, Bahram (2009), "Party and Party in Islamic Thought", *Islamic Studies: Jurisprudence and Principles*, Volume 41, Number 82.
- Iman, Mohammad Taqi; Noshadi, Mahmoud Reza (2015), "Qualitative Content Analysis", *Ayar Journal of Research in Humanities*, Volume 3, Number 2.
- Badfar, Rahmat (2015), *Typology of Muslim Religious Styles in the Qur'an and Nahj al-Balaghah*, Master Thesis, Ilam Faculty of Quranic Sciences.

- Badawi, Abdul Rahman (1383), *Defending the Qur'an against the views of Orientalists*, Mashhad: Published.
- Baghui, Husayn ibn Mas'ud (1420), *Tafsir al-Baghui al-Masmi Ma'alim al-Tanzil*, Beirut: Dar Ihyaa al-Tarath al-Arabi.
- Behrooz, Ahmad (1980), *History of Arabic Literature*, Tehran: Shafaq.
- Tavassoli, Gholamabbas; Morshedi, Abolfazl (2006), "Study of the level of religiosity and religious tendencies of students", *Iranian Journal of Sociology*, Volume 7, Number 4.
- Javadi Amoli, Abdullah (1383), *Theology*, Qom: Esraa Publications.
- Leather Doz, Zohreh (2014), *Comparison of duty-oriented religiosity and obligatory religiosity*, Master's thesis, University of Quran and Atrat (PBUH).
- Hajiani, Ebrahim (2004), "Sociological study of religious sectarianism and its impact on political order and stability", *Quarterly Journal of Strategic Studies*, Volume 7, Number 2.
- Free agent, Muhammad ibn Hassan (1409), *Shiite means*, Qom: Al-Bayt Foundation, peace be upon them.
- Hasanpour, Arash; Shojaeizand, Alireza (2014), "Typology of youth religiosity in Isfahan", *Journal of Applied Sociology*, Volume 25, Number 56.
- Hasanpour, Arash; Memar, Soraya (2015), "Study of the status of youth religiosity with emphasis on self-referential religiosity (presenting a grounded theory)", *Iranian Cultural Research Quarterly*, Volume 8, Number 3.
- Hosseini Hamedani, Mohammad (1404), *Anwar Derakhshan in Tafsir Quran*, Tehran: Lotfi.
- Haqi Barsawi, Ismail Ibn Mustafa (Bita), *Tafsir Ruh al-Bayyan*, Beirut: Dar al-Fikr.
- Khatami, Ahmad (1991), *Dictionary of Theology*, Tehran: Saba Publications.
- Khosravani, Alireza (1390 AH), *Tafsir Khosravi*, Tehran: Islamic Bookstore.
- Khatib, Abdul Karim (1424), *Tafsir al-Quran for Quran*, Beirut: Dar al-Fikr al-Arabi.
- Ragheb Isfahani, Hussein Ibn Muhammad (1412), *Al-Mufradat Fi Gharib Al-Quran*, Beirut: Dar Al-Alam Publications.
- Zahili, Wahba (1411), *The Interpretation of the Enlightenment in Belief, Sharia and Methodology*, Damascus: Dar al-Fikr.
- Zamakhshari, Mahmoud Ibn Umar (1407), *Discovering the truths of the obscure of the revelation and the eyes of the narrators in the aspects of interpretation in the aspects of interpretation*, Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi.

- Sepidnameh, Behrooz (2015), Typology of Students' Religious Styles (Case Study: Ilam Universities), PhD Thesis in Cultural Sociology, Research Institute for Cultural and Social Studies, Ministry of Science, Research and Technology.
- Saadi, Abd al-Rahman (1408), The Interpretation of the Most Gracious in the Interpretation of the Words of the Faithful, Beirut: The Library of the Arab Spring.
- Shah Abdul Azimi, Hussein (1363), Twelve Tafsir, Tehran: Miqat Publishing.
- Shojaei Zand, Alireza (2005), "A Model for Measuring Religiosity in Iran", Iranian Journal of Sociology, Volume 6, Number 1.
- Shojaei Zand, Alireza (2009), Sociology of Religion, Tehran: Publisher.
- Shojaei Zand, Alireza (2012), "The basis for building a model for measuring religiosity", Journal of Methodology of Humanities, Volume 17, Number 68.
- Sharafuddin Ameli, Seyyed Abdul Hussein (1384), Text and Ijtihad, Talieh Noor: Qom.
- Shirvani, Ali (2011), "Study of definitions of religion from another perspective", Quarterly Journal of Modern Religious Thought, Volume 7, Number 27.
- Sadeghi Tehrani, Muhammad (1406), Al-Furqan in the Interpretation of the Qur'an in the Qur'an and Sunnah, Qom: Islamic Culture.
- Safaei Haeri, Ali (1381), Purification with the current Quran, Qom: Laylat al-Qadr.
- Taliban, Mohammad Reza (2001), Religiosity and Delinquency among Youth, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Taleghani, Mahmoud (1362), A Ray of the Quran, Tehran: Anteshar Co.
- Tabatabai, Seyyed Mohammad Hussein (1417), Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran, Qom: Qom Seminary Teachers Association.
- Tabarsi, Fadl Ibn Hassan (Bita), Tafsir Majma 'al-Bayan, Tehran: (Bina).
- Tabari, Muhammad ibn Jarir (1412), comprehensive statement in the interpretation of the Qur'an, Beirut: Dar al-Ma'rifah.
- Tarihi, Fakhruddin (1375), Bahrain Assembly, Tehran: Islamic Culture Publishing Office.
- Tantawi, Muhammad Sayyid (1997), Al-Tafsir Al-Wasit for the Holy Quran, Cairo: Egyptian Movement.
- Tusi, Muhammad ibn Hassan (Bita), Al-Tibyan in the Interpretation of the Qur'an, Beirut: Dar Al-Ihyaa Al-Tarath Al-Arabi.
- Tayyib, Abdul Hussein (1362), Atib al-Bayyan fi Tafsir al-Quran, Tehran: Islam.

- Etrat Doust, Mohammad (1397) Qualitative content analysis of the semantic network "power"; An attempt to understand the pattern of "soft power" in the Holy Quran ", Journal of Quran and Hadith Studies, Volume 12, Number 1.
- Alam al-Huda, Ali ibn Husayn (1420), Amali al-Murtada, Cairo: Dar al-Fikr al-Arabi.
- Gholami, Salahuddin (2009), A Study of the Subject of Eclecticism in the Quran and Hadith with an Approach to the Theories of Shahid Motahhari, Master Thesis, Ilam University.
- Al-Fakhouri, Hana (1987), History of Arabic Language Literature from the Pre-Islamic Age to the Contemporary Century, translated by Abdul Mohammad Ayati, Tehran: Toos.
- Fakhr al-Razi, Muhammad ibn Umar (1420), Al-Tafsir al-Kabir (Mafatih al-Ghayb), Beirut: Dar al-Ihya al-Tarath al-Arabi.
- Fadlullah, Muhammad Hussein (1419), from the revelation of the Qur'an, Beirut: Dar al-Malak.
- Flick, Oveh (2009), An Introduction to Qualitative Research, translated by Hadi Jalili, Tehran: Ney.
- Qasemi, Jamal al-Din (1418), Tafsir al-Qasimi al-Masmi Mahasin al-Tawwil, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya.
- Qaraati, Mohsen (2009), Tafsir Noor, Tehran: Cultural Center for Lessons from the Quran.
- Qurashi Banai, Ali Akbar (1412), Quran Dictionary, Tehran: Islamic Books House.
- Qurtubi, Muhammad ibn Ahmad (1364), Al Comprehensive of the rules of the Qur'an, Tehran: Nasser Khosrow.
- Qutb, Sayyid (1425), in the shadow of the Qur'an, Beirut: Dar al-Shorouq.
- Kashani, Fatemeh; Mostafid, Hamidreza (2015), "Pathology of religiosity in terms of performance from the perspective of the Holy Quran", Journal of Books and Tradition, No. 6.
- Karimi, Mahmoud; Mehmannavaz, Ali (2009), "Analytical comparison of the moral system of Islam and the pre-Islamic Arabs with three cultural, historical and linguistic approaches", Journal of Quran and Hadith Studies, Volume 3, Number 1.
- Koenig, Samuel (1355), Sociology, translated by Mushfaq Hamedani, Tehran: Amirkabir.
- Koohi, Ahmad and Mehdi Sharifi (2017), The Future of Religiosity in Iran - Research Process (Strategic Document), Qom, Center for Strategic Planning and Supervision of the Islamic Propaganda Office of Qom Seminary.

- Mohaddesi, Hassan (2012), "The growth of independent fields", Mehrnameh Magazine, No. 20.
- Modarressi, Mohammad Taqi (1419), from the guidance of the Qur'an, Tehran: Dar Mohebbi Al-Hussein.
- Mughniyeh, Mohammad Javad (1424), Tafsir Al-Kashif, Qom: Dar Al-Kitab Al-Islami.
- Makarem Shirazi, Nasser (1371), Sample Interpretation, Tehran: Islamic Books House.
- Nahavandi, Muhammad (1386), Nafhat al-Rahman in the interpretation of the Qur'an, Qom: Ba'ath Foundation.
- Hashemi Rafsanjani, Akbar (2007), Tafsir Rahnama, Qom: Book Garden.
- Eliadeh, Mircha (1993), Religious Studies, translated by Bahauddin Khorramshahi, Tehran: Institute of Cultural Studies and Research.